پس از اوباما، بیل کلینتون نیز گرانی بنزین در آمریکا را نتیجه حمله به ایران دانست

همه‌علیه دیوانه



گروه بین‌الملل: بلایی که رئیس دولت تروریست آمریکا به دلیل سیاست‌های ناپخته و پرهزینه خود بر سر آمریکا و آمریکایی‌ها آورده، کار را بدانجا رسانده که حالا «بیل کلینتون» چهل و دومین رئیس‌جمهور آمریکا که در حد فاصل سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ قدرت را در کاخ سفید در دست داشت، از وضعیت کشورش گلایه کرده و گفته است: بعضی روزها به سختی می‌توانم کشوری را که تمام عمر عاشقش بوده‌ام، تشخیص دهم.

به گزارش «وطن امروز» سخنرانی کلینتون علیه ترامپ در یک نشست انتخاباتی انجام شد، آن هم در شرایطی که رئیس‌جمهور آمریکا چشم‌انداز روشنی در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ندارد. یک روز پس از سخنرانی دونالد ترامپ در میان جمهوری‌خواهان در فلوریدا، بیل کلینتون ۲ ایالت آن طرف‌تر، یعنی در می‌سی‌سی‌پی، در یک گردهمایی انتخاباتی به نفع دموکرات‌ها، ترامپ را به دلیل سیاست‌هایش به‌ویژه در ارتباط با جنگ علیه ایران به باد انتقاد گرفت.

کلینتون در سخنان خود با انتقاد از سیاست‌های ترامپ، دولت حاکم در آمریکا را به فساد و پروژه‌های خودمحورانه متهم کرد و طرح‌های تبلیغاتی ترامپ از جمله ساخت طاق پیروزی در واشنگتن و برخی دیگر از ادعاهای او را زیر سوال برد.

در عین حال مهم‌ترین بخش‌های سخنرانی کلینتون جایی بود که او به وضعیت دشوار معیشتی شهروندان آمریکا تحت تاثیر جنگ علیه ایران اشاره کرد و گفت: مردم ایالت می‌سی‌سی‌پی می‌دانند چرا چیزهایی که قبلا توانایی خریدشان را داشتند، اکنون از دسترس‌شان خارج شده است. آنها به‌خوبی می‌دانند قیمت بنزین به دلیل جنگی که علیه ایران رخ داد، افزایش یافته است.

بیل کلینتونِ ۸۰ ساله ضمن اشاره به دوستی قدیمی‌اش با ترامپ اما به‌شدت از او انتقاد و اظهار کرد: به قیمت بالای بنزین فکر می‌کنم که نتیجه مستقیم حمله به ایران است؛ حمله‌ای که سنجیده و حساب‌شده نبود.

بر اساس گزارش دیلی میل، کلینتون در ادامه افزود: در دوران ریاست‌جمهوری‌ام هرگز تصور نمی‌کردم باید وارد جنگ شویم و شاهد مرگ انسان‌های بسیاری باشیم، آن هم در شرایطی که قصد اشغال آن کشور را نداشتیم، بنابراین تا زمانی که ندانید چگونه می‌خواهید به کشتار پایان دهید، نباید آن را آغاز کنید.

رئیس‌جمهور اسبق آمریکا با اشاره به اقدامات دولتش علیه برنامه هسته‌ای ایران اذعان کرد واشنگتن در دوران ریاست‌جمهوری او تلاش‌های زیادی برای اخلال در روند برنامه هسته‌ای ایران انجام داد.

البته ادعاهای کلینتون و ژست صلح‌طلبی‌اش در شرایطی مطرح شده که خودِ او نیز در دوران ریاست‌جمهوری‌اش چندین عملیات بمباران در غرب آسیا و شمال آفریقا انجام داد؛ از جمله حملاتی به عراق در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶، شلیک موشک‌های کروز به افغانستان و سودان در سال ۱۹۹۸ و حمله‌ای دیگر به عراق در اواخر همان سال که همه این حملات نیز با تلفات و خساراتی در این کشورها همراه بود.

■ **فقط کلینتون نگران نیست!**

در عین حال بیل کلینتون تنها کسی نیست که در آمریکا از قیمت بالای بنزین شکایت دارد. افزایش قیمت بنزین و سوخت در آمریکا در پی جنگ علیه ایران، به یکی از محورهای انتقادات سیاسی و اقتصادی از ترامپ تبدیل شده است، چون افزایش قیمت بنزین بر هزینه رفت‌وآمد، حمل‌ونقل کالا، قیمت مواد غذایی و قدرت خرید خانوارهای آمریکایی اثر زیادی گذاشته است.

کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس اعتراف کرد ترامپ پیش از آغاز جنگ از خطر افزایش قیمت انرژی آگاه بود.

کریستن جیلیبرند، سناتور دموکرات ایالت نیویورک هم در واکنش به افزایش قیمت بنزین خواستار پایان فوری جنگ علیه ایران شد و گفت: مردم آمریکا این جنگ را نمی‌خواهند. او تأکید کرد: رفت‌وآمد روزانه، مراجعه به پزشک و رساندن کودکان به مدرسه به دلیل افزایش قیمت سوخت، ۵۰ درصد گران‌تر از یک سال قبل شده است.

مارتین هاینریش، سناتور دموکرات و عضو ارشد کمیته انرژی و منابع طبیعی سنا نیز هشدار داد تخلیه ذخایر راهبردی نفت آمریکا در جریان جنگ، توانایی دولت برای مقابله با بحران‌های بعد را کاهش داده است. او با اشاره به هشدار مدیران صنعت نفت درباره احتمال افزایش قیمت بنزین به بیش از ۷ دلار در هر گالن، سیاست‌های نابخردانه ترامپ را عامل تشدید فشار بر خانواده‌های آمریکایی دانست.

چاک شومر، رهبر دموکرات‌های سنا هم افزایش قیمت بنزین را نتیجه مستقیم جنگ ترامپ علیه ایران دانست و خواستار آزادسازی فوری نفت ذخایر راهبردی آمریکا شد. او گفت: به دلیل جنگ بی‌ملاحظه ترامپ، قیمت بنزین به بالاترین سطح سال‌های اخیر رسیده است. شومر همچنین اظهارات ترامپ را در واکنش به افزایش قیمت‌ها که آن را بی‌اهمیت خوانده بود، نشانه بی‌توجهی او به وضعیت زندگی شهروندان آمریکایی عنوان کرد.

گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا هم ترامپ را متهم کرد بدون برنامه‌ریزی برای پیامدهای اقتصادی، آمریکا را وارد جنگ علیه ایران کرد. او گفت: جنگ علیه ایران هر هفته ۱,۵ میلیارد دلار هزینه اضافه برای مصرف‌کنندگان آمریکایی فقط در جایگاه‌های سوخت ایجاد کرده و افزایش قیمت نفت محدود به ایالت‌های نفت‌خیز نیست و خانوارها در سراسر آمریکا، از کالیفرنیا تا تگزاس، هزینه این جنگ غیرضروری را می‌پردازند.

در عین حال یکی از مهم‌ترین اعتراف‌ها به مشکلات افزایش قیمت بنزین در آمریکا از درون اردوگاه جمهوری‌خواهان، یعنی حزب رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شده است. کن پکستون، دادستان کل تگزاس و متحد سیاسی ترامپ، در یک نشست خصوصی با حامیان مالی کارزار انتخاباتی جمهوری‌خواهان برای انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره گفت: مشکل ما فقط تعرفه‌ها نیست؛ مشکل بزرگ‌تر جنگ علیه ایران است، قیمت بنزین است، قیمت گازوئیل است. او هشدار داد وقتی قیمت گازوئیل از ۶ دلار در هر گالن فراتر می‌رود، مردم فشار اقتصادی را احساس می‌کنند و این افزایش هزینه به قیمت مواد غذایی و سایر کالاها نیز منتقل می‌شود.

■ **فرار به جلوی ترامپ**

با افزایش انتقادات از ترامپ به دلیل افزایش قیمت سوخت، به نظر می‌رسد پیرمرد جنجالی کاخ سفید در تلاش برای فرار به جلو است، تا جایی که در گفت‌وگو با یک برنامه وابسته به روزنامه نیویورک پست ادعا کرد قیمت نفت در جریان جنگ کمتر از حد انتظارش افزایش یافت و قیمت بنزین در آمریکا به زیر ۲ دلار در هر گالن خواهد رسید. ترامپ همچنین در جواب به این سوال که «آیا از اینکه ایران تا این حد سرسخت بوده، تعجب کرده‌اید؟» گفت: نمی‌دانم «سرسخت» یعنی چه؟

ترامپ پیش‌تر نیز افزایش قیمت سوخت و بنزین را در آمریکا ناچیز و بی‌اهمیت توصیف کرده و مدعی شده بود این افزایش، بهای بسیار کوچکی برای امنیت و صلح آمریکا و جهان است. او در گفت‌وگو با رویترز، در پاسخ به نگرانی درباره افزایش قیمت بنزین مدعی شده بود: هیچ نگرانی‌ای از این بابت ندارم؛ وقتی این جنگ تمام شود، قیمت‌ها خیلی سریع کاهش پیدا می‌کند. او همچنین تأکید کرد: افزایش اندک قیمت بنزین در مقایسه با اهداف نظامی آمریکا اهمیت چندانی ندارد.

ترامپ یک بار دیگر نیز در مصاحبه با شبکه ای‌بی‌سی، افزایش قیمت بنزین را صرفا یک اختلال کوچک توصیف کرده و مدعی شده بود آمریکا برای دستیابی به اهدافش در جنگ باید این هزینه را بپذیرد.

■ **بنزین گران چه بر سر آمریکایی‌ها آورده؟**

واقعیت‌های میدانی هم نشان می‌دهد جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، هزینه سوخت را برای میلیون‌ها خانوار آمریکایی به‌شدت افزایش داده و فشار اقتصادی بر شهروندان آن کشور را تشدید کرده است. بر اساس گزارش انجمن اتومبیل آمریکا که آسوشیتدپرس به آن استناد کرده، میانگین قیمت هر گالن بنزین معمولی در آمریکا از ۲,۹۸ دلار پیش از آغاز جنگ به ۴,۳۳ دلار رسیده و در برخی ایالت‌ها از جمله کالیفرنیا به ۶ دلار رسیده که این حاکی از افزایش ۴۵ تا ۱۰۰ درصدی قیمت بنزین پس از جنگ علیه ایران است. وضعیت گازوئیل در آمریکا حتی وخیم‌تر است و قیمت آن از ۳,۷۶ دلار به ۶,۳۳ دلار در هر گالن افزایش یافته که به معنای افزایش ۶۸ درصدی این سوخت استراتژیک در آمریکاست. اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز در آمار هفته گذشته خود، میانگین قیمت بنزین را ۴,۲۶۹ دلار اعلام کرد. بر اساس این گزارش، اختلال در انتقال نفت از غرب آسیا و ناامنی تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز تحت تاثیر جنگ علیه ایران از عوامل اصلی تداوم فشار بر بازار سوخت عنوان شده است.

با این حال باید توجه داشت افزایش قیمت سوخت فقط به هزینه سوخت خودروها محدود نمانده و به بخش‌های مختلف زندگی آمریکایی‌ها سرایت کرده است. گران شدن گازوئیل، هزینه فعالیت کامیون‌ها، کشاورزی، حمل‌ونقل مواد غذایی و توزیع کالا را بالا برده و شرکت‌ها را به افزایش هزینه ارسال و قیمت برخی محصولات سوق داده است. برآورد آزمایشگاه سیاست‌های اقلیمی دانشگاه براون نشان می‌دهد خانوارهای آمریکایی از زمان آغاز جنگ تاکنون بیش از ۷۵۰ دلار هزینه اضافه بنزین و گازوئیل پرداخت کرده‌اند؛ این رقم در برآورد جدیدتر مؤسسه مالیات و سیاست اقتصادی آمریکا (ITEP) در ۳۰ اکتبر یعنی همین ۳ روز پیش به ۹۴۰ دلار رسید. مارک زندی، اقتصاددان ارشد مؤسسه مودی نیز هزینه کلی جنگ برای هر خانوار آمریکایی را با احتساب افزایش هزینه انرژی، نرخ بهره و مخارج نظامی ۲ هزار دلار برآورد کرد.

به این ترتیب، جنگی که ترامپ مدعی پیشبرد آن برای تأمین امنیت آمریکاست، به افزایش هزینه رفت‌وآمد، خرید و تأمین نیازهای روزمره مردم آمریکا منجر شده و زندگی اقتصادی خانوارهای آمریکایی را دشوار کرده است؛ جنگی که اگر شعله‌های آن دوباره زبانه بکشد و ایران را بار دیگر به پاسخ موشکی علیه منافع آمریکا بکشاند، قیمت سوخت را از آن چه هست گران‌تر خواهد کرد، به‌ویژه آنکه جمهوری اسلامی به صورت رسمی اعلام کرده در صورت به راه افتادن جنگ جدید، پاسخش به منطقه محدود نخواهد بود و در این شرایط ممکن است شریان‌های انتقال انرژی حتی در دیگر مناطق نیز تحت تاثیر جنگ علیه ایران دچار اختلال شوند.

تهدید تنگه هرمز، باب‌المندب و امنیت انرژی؛ سیاست چین برای مهار بحران غرب آسیا چیست؟

پکن نگران جنگ

گروه بین‌الملل: همزمان با افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال به راه افتادن جنگ جدید آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، در شرق آسیا چینی‌ها تحرکات خود برای جلوگیری از جنگ جدید در غرب آسیا را شدت بخشیده‌اند.

به گزارش «وطن امروز» رهبر چین در راستای تحرکات دیپلماتیک برای توقف جنگ در غرب آسیا در دیدار با هیثم بن طارق آل‌سعید، سلطان عمان گفت جهان دستخوش «تغییرات اساسی است که در یک قرن گذشته بی‌سابقه بوده است». بر اساس گزارش وزارت خارجه چین، شی جین پینگ افزود منطقه خلیج فارس «نباید به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های بزرگ و منازعات ژئوپلیتیک تبدیل شود. صلح و ثبات در این منطقه مستلزم تلاش مشترک همه طرف‌ها برای حمایت و صیانت از آن است».

رئیس‌جمهور چین با بیان اینکه پکن همواره بر توقف جنگ تأکید داشته، اظهار کرد این کشور امیدوار است با «خرد» و ارائه «راهکارهایی برای حل‌وفصل معضلات امنیتی منطقه» به این امر کمک کند. شی همچنین از آمادگی چین برای تقویت ارتباطات و هماهنگی با کشورهای عرب، از جمله اعضای شورای همکاری خلیج فارس با هدف بازگرداندن صلح و دستیابی به ثبات و امنیت پایدار خبر داد.

وزارت خارجه چین هفته گذشته اعلام کرد پکن به‌زودی فرستادگان ویژه خود را برای تقویت تعاملات و کاهش تنش‌ها به خاورمیانه اعزام می‌کند. به نوشته رویترز، چین که به طور سنتی نقش دیپلماتیک کمرنگ‌تری در غرب آسیا داشته، در پی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران تلاش‌های خود را برای کمک به کاهش تنش‌ها در تردد از تنگه هرمز و افزایش هزینه‌های جهانی انرژی و حمل‌ونقل دریایی شده است.

همزمان روز دوشنبه «وانگ یی» وزیر خارجه چین در دیدار با علی باقری‌کنی، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، مخالفت خود را با بازگشت درگیری نظامی به منطقه اعلام کرد. او همچنین گفت‌وگو و مذاکره را راه‌حل بحران در غرب آسیا دانست و حمایت تمام‌قد چین از حفظ حاکمیت و امنیت ایران را اعلام کرد.

■ **چرا چین نگران شعله‌ورتر شدن جنگ در منطقه است؟**

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های چین از به راه افتادن جنگ جدید علیه ایران محاسبات پکن در منطقه نسبت به گسترش جنگ است. رویترز گزارش داد مهم‌ترین دلیل نگرانی پکن، امنیت انرژی است، چون چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان است و بخش قابل توجهی از نیاز انرژی خود را از غرب آسیا تأمین می‌کند. بر اساس گزارش رویترز، غرب آسیا در سال ۲۰۲۵ میلادی ۴۹,۴ درصد مجموع واردات نفت خام، سوخت‌های پالایش‌شده، گاز طبیعی مایع و گاز مایع چین را تأمین کرده بود. همچنین ۵۲ درصد واردات نفت خام چین از این منطقه انجام شده و بخش مهمی از این محموله‌ها از تنگه هرمز عبور می‌کنند. بنابراین تداوم جنگ و اختلال در این آبراه، به طور مستقیم امنیت انرژی صنایع چین را تهدید می‌کند. افزایش قیمت نفت و هزینه حمل‌ونقل نیز می‌تواند هزینه تولید کالاهای چینی را بالا ببرد و قدرت رقابت صادراتی این کشور را کاهش دهد.

در این میان نگرانی چین فقط به تنگه هرمز محدود نیست. رویترز در گزارشی فاش کرد پکن در مذاکرات خود با کشورهای منطقه از گسترش درگیری‌ها از هرمز به دریای سرخ و باب‌المندب اعلام نگرانی کرده است. دلیل این درخواست روشن است و پکن می‌داند اگر همزمان هر دو تنگه هرمز و باب‌المندب با اختلال مواجه شوند، ۲ مسیر مهم صادرات انرژی و تجارت دریایی دنیا تحت فشار قرار می‌گیرد.

رویترز گزارش داد چین در سال ۲۰۲۵ بیش از ۸۰ درصد صادرات دریایی نفت ایران را خریداری کرده و میانگین خرید آن یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. از طرف دیگر، تجارت چین با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز ۳۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد شده است. بنابراین پکن نمی‌خواهد جنگی که علیه ایران آغاز شده، به بحرانی فراگیر تبدیل شود که منافع اقتصادی آن در سراسر منطقه را تهدید کند.

■ **تهدید رشد اقتصادی و بازار صادراتی چین**

چین علاوه بر واردات انرژی، از کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای خود نیز نگران است. گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) نشان می‌دهد جنگ علیه ایران از طریق افزایش قیمت انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش قدرت خرید کشورهای واردکننده، به صادرات چین ضربه زده است. صندوق بین‌المللی پول نیز در برآوردهای اخیر خود، پیش‌بینی رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۶ را از ۳,۳ به ۳,۱ درصد کاهش داد. از آنجا که بخش مهمی از رشد اقتصادی چین به صادرات وابسته است، رکود در اقتصاد شرکای تجاری این کشور می‌تواند کارخانه‌ها و صنایع صادرات‌محور چین را با کاهش سفارش‌ها مواجه کند. به این ترتیب، جنگ علیه ایران برای پکن فقط یک بحران منطقه‌ای نیست، بلکه تهدیدی برای موتورهای اصلی رشد اقتصادی این کشور محسوب می‌شود.

«ژائو لونگ» پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای در مقاله‌ای در مؤسسه بروکینگز تأکید کرد نگرانی اصلی پکن، پیامدهای اقتصادی و راهبردی جنگ علیه ایران است. به گفته او، چین نگران است تداوم جنگ، منافع اقتصادی، محیط راهبردی و فضای مانور سیاسی اش را تهدید کند. پژوهشگر چینی معتقد است پکن به دنبال مهار سرایت بحران، کاهش مخاطرات و جلوگیری از بی‌ثباتی گسترده‌تر است.

«گابریل کالینز» پژوهشگر مؤسسه سیاست عمومی بیکر دانشگاه رایس هم در گزارشی درباره از میان رفتن امنیت نفت چین در تنگه هرمز هشدار داد و نوشت اختلال در این آبراه، کسری روزانه ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت با منشأ خلیج فارس را برای چین ایجاد می‌کند. او همچنین ذخایر نفت پکن را ۱,۴ میلیارد بشکه برآورد کرد و هشدار داد ظرفیت واقعی این ذخایر برای پوشش نیاز پالایشگاه‌ها محدودتر از رقم اسمی آن است.

این گزارش‌ها نشان می‌دهد تداوم جنگ علیه ایران می‌تواند به‌تدریج حاشیه امنیت انرژی چین را کاهش دهد، از همین رو پکن این روزها در تکاپوی دیپلماتیک برای جلوگیری از شعله‌ور شدن دوباره جنگ علیه ایران است.

اخبار

بیش از ۷۶۸ شهید و مجروح در یمن در پی حملات رژیم سعودی

وزارت خارجه یمن با ارسال یادداشت‌هایی به نهادهای بین‌المللی، از ثبت بیش از ۳ هزار و ۸۳۰ حمله هوایی و موشکی عربستان علیه این کشور و شهادت و زخمی شدن ۷۶۸ غیرنظامی تا ۳۰ اکتبر/ ۸ آبان خبر داد و سکوت جامعه جهانی در برابر این حملات را محکوم کرد.

وزارت خارجه یمن با ارسال یادداشت‌هایی به نهادهای بین‌المللی، درباره تداوم حملات سعودی علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی این کشور هشدار داد.

صنعا اعلام کرد در میان شهدا، ۶۸ کودک و ۳۵ زن و در میان مجروحان نیز ۱۳۷ کودک و ۷۲ زن هستند. این وزارتخانه هدف قرار دادن غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی را نقض آشکار و فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه دانست و سکوت و انفعال جامعه بین‌المللی در برابر جنایات عربستان را محکوم کرد.

زاخاروا:

عزم ملت ایران نمی‌شکند

سخنگوی وزارت خارجه روسیه تأکید کرد: تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد ماجراجویی‌های نظامی قادر نیست عزم ملت ایران را برای دفاع از حاکمیت و استقلال کشورشان درهم بشکند.

«ماریا زاخاروا» با ابراز نگرانی درباره گزارش‌های رسانه‌ای درباره تکرار تجاوز نظامی به ایران افزود: کسانی که اکنون تهدید به انجام حملات بیشتر می‌کنند، بهتر است در این واقعیت تأمل کنند.

وی افزود: وضعیت پیرامون ایران - کشوری که هدف تجاوزات بی‌دلیل ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفته است - همچنان پیچیده است و این مناقشه هنوز حل‌نشده باقی مانده و با سایر فرآیندهای بحرانی در سراسر منطقه خاور نزدیک و میانه پیوند خورده است.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه ادامه داد: مسکو معتقد است تقویت تلاش‌های دیپلماتیک با هدف عادی‌سازی اوضاع، ضروری است. ما از فعالیت میانجیان حمایت می‌کنیم و خود نیز در فرآیند مذاکرات مشارکت داریم. همچنین آمادگی داریم در یافتن راه‌حل‌های مورد توافق طرفین و اجرای آنها کمک کنیم.

دیدگاه

پایان ژست‌های دموکراتیک

ادامه از صفحه اول

پیام غیررسمی اما شفاف دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بروکسل به شهروندان و فعالان سیاسی اروپایی این است: «هرگونه فاصله گرفتن از مدار اروپای واحد و زیر سؤال بردن اراده بروکسل، با بی‌ثباتی، بحران‌سازی، دخالت مستقیم و پرداخت هزینه‌های سنگین امنیتی همراه خواهد بود!» دموکراسی در قاموس این ساختار متصلب، تا زمانی محترم شمرده می‌شود که نتیجه صندوق‌های رأی به سود همگرایی تحت فرمان مرکز رقم بخورد؛ به محض چرخش اراده عمومی به سمت بازپس‌گیری حاکمیت ملی، ابزارهای شبه‌کودتا و فشارهای اقتصادی و قضایی فعال می‌شود. در این میان، سکوت مرگبار و بی‌عملی مضحک پارلمان اروپا و انبوه نهادهای موسوم به «حقوق بشر» بین‌المللی، یکی از رسواترین صحنه‌های تاریخ معاصر را رقم زده است. نهادهایی که برای یک رویداد در آفریقا یا غرب و شرق آسیا زمین و زمان را به هم دوخته، کارزارهای تبلیغاتی به راه می‌اندازند، پرونده‌های تحریمی قطور تدوین می‌کنند و بیانیه‌های تند و اخلاقی صادر می‌کنند، اکنون در برابر سرکوب اراده سیاسی و نقض آشکار استقلال نهادی در قلب یک کشور عضو، کر و لال شده‌اند! پارلمان اروپا که ید طولایی در تنظیم قطعنامه‌های مداخله‌جویانه علیه حاکمیت کشورهای مستقل جهان دارد، چشمان خود را بر تعرض آشکار به حاکمیت قانون در ورشو بسته است. این استاندارد دوگانه صرفا به راهروهای سیاست محدود نمی‌شود؛ خیابان‌های پایتخت‌های مختلف در اروپا نیز این روزها گواه صادق این دورویی سیستماتیک است. هزاران شهروند و جوان معترض در فرانسه، آلمان، هلند، پرتغال، اسپانیا و سایر نقاط اروپا به دست پلیس ضدشورش به وحشیانه‌ترین شکل ممکن سرکوب می‌شوند، بازداشت‌های فله‌ای رخ می‌دهد و از پیشرفته‌ترین ابزارهای نظارتی و قهری برای خفه کردن اعتراضات بهره‌برداری می‌شود. با این حال، هیچ رسانه غربی از «سرکوب وحشیانه معترضان» سخن نمی‌گوید و رهبران اتحادیه نیز چنین رفتارهایی را لازمه «حفظ نظم عمومی و امنیت ملی» توجیه می‌کنند!

گویی خشونت پلیس و خرد کردن معترض، هرگاه با پرچم اتحادیه همپوشانی داشته باشد، اقدامی مشروع و متمدنانه است! بحران سیاسی لهستان و اعتراضات جاری در اروپا پرده‌ها را کنار زد و نشان داد لیبرال - دموکراسی غرب هنگامی که موجودیت ساختارهای هژمونیک خود را در خطر می‌بیند، حتی کمترین احترامی برای قواعد ادعایی خود نیز قائل نیست. کودتای سیاسی در ورشو، نه آغاز تثبیت اقتدار بروکسل، بلکه نمادی از وحشت عمیق هیات‌حاکمه اروپا در برابر فروپاشی اجماع کاذب گذشته است. ساختار الیگارشیک اروپا می‌کوشد با مشت آهنین، هماهنگی‌های پشت پرده اطلاعاتی و قربانی کردن استقلال کشورهای عضو، صدای نسلی ناراضی و احزابی خواهان بازتعریف هویت ملی را خاموش کند؛ غافل از آنکه تضادهای بنیادین قاره با بیانیه‌های گزینشی و شبه‌کودتاهای مصلحتی پنهان نخواهد ماند و ماهیت ریاکارانه‌ای که سال‌ها در پس ژست‌های بشردوستانه پنهان شده بود، اکنون در برابر دیدگان افکار عمومی جهان کاملا عریان شده است.